

بررسی آسیب‌های اخلاقی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی، با نگرش به آموزه‌های اسلامی

محمد مهدی خوش‌قلب*

چکیده

پیشرفت‌های زندگی امروزی، گسترش شهرنشینی و افزایش شتابان جمعیت شهری باعث گسترش روزافزون بلندمرتبه‌سازی و آپارتمان‌نشینی شده است. پژوهش حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و باهدف بررسی و تبیین آسیب‌های اخلاقی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در ایران، با رویکردی «بنیادی» شکل گرفت؛ پس از توصیف و تحلیل داده‌ها و برخی گزارش‌ها از تجربیات افرادی که آپارتمان‌نشینی را تجربه کرده‌اند، روشن شد که آپارتمان‌نشینی به سبک امروزی آن در ایران، گذشته از برخی مزیت‌ها، آسیب‌های اخلاقی و فرهنگی نهان و آشکاری نیز به همراه دارد؛ براین اساس آسیب‌هایی همچون: «ایجاد محدودیت در روابط جنسی همسران»، «پایمال شدن برخی حقوق کودکان»، «پایمال شدن برخی حقوق معلولان و سالمندان»، «چالش‌ها و آسیب‌های ناشی از ازدحام جمعیت»، «کاهش پیوندهای خویشاوندی و اجتماعی»، «بروز انواع آزار و اذیت‌ها»، «بروز زمینه‌های کاهش حیا»، «کاهش تعاملات همسایگی»، «رنج‌های روانی و جسمی ناشی از عدم اشراف بر محیط» در آپارتمان‌نشینی دیده شد. در این پژوهش به بررسی و تبیین این آسیب‌ها با تطبیق بر آیات قرآن کریم و روایات اهل‌بیت (علیهم‌السلام) پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آپارتمان‌نشینی، آسیب‌های اجتماعی، اخلاق همسایگی، فرهنگ و اخلاق آپارتمان‌نشینی.

*. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی اخلاق و تربیت اسلامی حوزه علمی قم؛ khushghalb@gmail.com

مقدمه

خانه، یکی از نیازهای اولیه انسان است و به همین دلیل، خداوند متعال آن را مایه آرامش قرار داده است «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل: ۸۰). خانه، علاوه بر تأمین نیازهای اولیه انسان مانند خواب و استراحت، با سایر ابعاد زندگی او نیز مرتبط است. پاسخ مناسب خانه به نیازهای متنوع انسانی مانند: برخی نیازهای فیزیولوژیک، آسایش روانی و احساس امنیت، نیازهای اجتماعی و زیباشناختی، محیط مسکونی را می‌تواند به بستری مهم برای اعتلای فکری و روحی و روانی انسان تبدیل سازد (ر.ک: پوردیهیمی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵-۶). وابستگی میان انسان و خانه و مسائل مرتبط با آن، آن‌چنان مهم است که همواره مورد توجه و تحقیق روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده است.

برای هر موجود زنده و حتی در بررسی وضعیت جمادات، محل قرارگرفتن و ابعاد و ویژگی‌های کالبدی آن محل، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ مثلاً گفته می‌شود که فلان گیاه اگر در معرض نور خورشید نباشد، پژمرده می‌شود. یا جای نگهداری فلان حیوان اگر بزرگ نباشد، افسرده و گوشه‌گیر می‌شود. یا سنگی اگر در فلان آب‌وهوا استفاده شود، به‌مرور زمان ترک برمی‌دارد. اینها همه نشان‌دهنده اهمیت مکان و موقعیت قرارگرفتن است. این حقیقت در مورد انسان، با توجه به جایگاه او و پیچیده بودن ساختار جسمی و روحی او، از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. تأکیدی که در روایات معصومان علیهم‌السلام در مورد وسعت و ویژگی‌های کالبدی خانه آمده است، همه می‌تواند ناظر به این حقیقت باشد.

بنابراین موقعیت مکانی و جغرافیایی خانه، مساحت و ابعاد آن و نیز سبک معماری و حتی شکل و ابعاد در و پنجره‌های خانه، بر فرد فرد ساکنانش تأثیرگذار است و تعاملات آنان با یکدیگر و حتی با افراد هم‌جوار را دگرگون می‌کند (همان و ر.ک: فردوسی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ بنابراین فضای مسکونی مناسب، در وهله نخست، شرایط لازم برای رشد فردی هر یک از اعضای خانواده را آماده می‌کند و در قدم بعدی، زمینه مناسب برای انطباق فرد با اجتماع و آماده‌سازی وی برای ورود به عرصه جامعه را فراهم می‌سازد. ازسوی دیگر، مسکن نامناسب، بر شرایط جسمی و روانی ساکنانش، تأثیری نامطلوب می‌گذارد و سبب بروز بیماری‌های مختلف جسمی، روانی و رفتاری می‌شود.



به نظر می‌رسد بعضی از ساکنان آپارتمان‌ها، اساساً از آسیب‌های اخلاقی آپارتمان‌نشینی غافل‌اند؛ بنابراین نخستین هدف این پژوهش، برانگیختن حساسیت این دسته از شهروندان، نسبت به آن آسیب‌ها و پیامدهای آن است.

ترویج سبک زندگی اسلامی در بُعد زندگی جمعی و تلاش در جهت ارتقای سطح اخلاق و فرهنگ عمومی جامعه، دومین هدف این نوشتار است.

ضرورت پرداختن به این موضوع از آن‌رو است که در کشور ما پدیده آپارتمان‌نشینی به شیوه غربی آن رواج پیدا کرده و منشأ آسیب‌های گوناگون اخلاقی و فرهنگی برای ساکنان آن شده است. شناخت آسیب‌ها و زمینه‌ها و عوامل آن گام نخست برای مقابله حکیمانه و مؤثر است. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع دینی سامان یافته و در جمع‌آوری داده‌ها ترکیبی از شیوه کتابخانه‌ای - میدانی به کار گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

خوشبختانه پس از سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع جوانان بجنورد در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ و طرح مسائلی از سبک زندگی امروز مردم ایران، ازجمله مسئله آپارتمان‌نشینی، بخشی قابل توجه از تلاش‌های فکری و قلمی پژوهشگران، اساتید و دانشجویان، معطوف به موضوع آپارتمان‌نشینی در ایران شد. آثاری که تاکنون، در ارتباط با این موضوع عرضه شده است، اغلب دو گونه‌اند:

الف) آثاری که به صورت خاص، واژه «آپارتمان»، «مجتمع مسکونی» و «آپارتمان‌نشینی» در موضوع آنها لحاظ شده است؛ مانند:

- کتاب اخلاق همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی، اثر محمدجواد فلاح؛

- کتاب فرهنگ و زندگی در مجتمع‌های مسکونی، نوشته محمودرضا اسدی و مجتبی امیری؛

- مقاله «بررسی رابطه خلوت و تعامل در چند مجتمع مسکونی قزوین»، نوشته ایمان رئیسی و الهه‌سادات حسینی.

ب) آثاری که در موضوع اخلاق و آداب همسایگی نوشته شده‌اند که به صورت کلی به مسائل همسایگی پرداخته‌اند؛ مانند:

- کتاب همسایه ما سایه ماست، اثر غلامرضا گلی‌زواره؛
 - کتاب درآمدی بر اخلاق همسایگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، نوشته علی ملکوتی‌نیا؛
 - مقاله «تبیین جامعه‌شناختی تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر احساس نشاط اجتماعی شهروندان در شهر همدان»، نوشته اعظم خطیبی.

از میان دو گونه آثار یادشده، تنها، مؤلفان دو کتاب اخلاق همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی و درآمدی بر اخلاق همسایگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، صفحاتی از کتاب خود را به «آپارتمان‌نشینی» اختصاص داده‌اند. اشکال اساسی کتاب نخست در کنار حجم کم آن، بسنده کردن به سرفصل‌های موضوع یادشده و عمیق نشدن در بحث و نیز عدم استفاده کافی از آموزه‌های دین است و کتاب دوم نیز علی‌رغم داشتن دغدغه مسائل آپارتمان‌نشینی، حجم کمی از مسائل موردنظر را بیان کرده است.

دیگر پژوهش‌ها نیز تا آنجا که در دسترس نگارنده بود، اساساً یا اشاره‌ای به موضوع این پژوهش نکرده‌اند، یا این پدیده را بیشتر از جنبه‌های حقوقی و جامعه‌شناختی بررسی نموده‌اند؛ بنابراین پژوهش حاضر، در مقایسه با آثار یادشده، به‌صورت ویژه و تا حدودی جامع، آسیب‌های فرهنگی و اخلاقی آپارتمان‌نشینی در حوزه اجتماعی را با تطبیق بر آموزه‌های اسلامی بررسی کرده است.

روش گردآوری داده‌ها، داده‌پردازی و پژوهش

این پژوهش، با رویکرد «بنیادی» انجام‌شده و روش داده‌پردازی آن، آمیزه و تلفیقی از «توصیف» و «تحلیل» بر پایه «مطالعات کتابخانه‌ای» و آیات قرآن‌کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام است. بخش زیادی از مطالب این پژوهش، از اسناد نوشتاری موجود در کتابخانه‌ها و فضای اینترنت و نیز نرم‌افزارهای علمی، گردآوری شد و بخشی اندک (در حوزه شناسایی آسیب‌ها) بر اساس مشاهدات و تجربیات شخصی نگارنده و تعدادی از افرادی که آپارتمان‌نشینی را تجربه کرده‌اند، فراهم گردید.

آسیب‌های اخلاقی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی

آسیب‌هایی که در این نوشتار به آنها پرداخته شده است، عبارتند از:



۱. محدود شدن روابط جنسی همسران و پیامدهای سوء آن

یکی از مشکلات مهم دست‌کم برخی همسران ساکن در آپارتمان‌ها، محدود شدن و در برخی موارد، سردی روابط جنسی آنهاست. نوع خانه‌های آپارتمانی، به دلیل مساحت کم، نزدیک بودن بیش‌ازحد به یکدیگر و عدم به‌کارگیری عایق‌های صوتی در آنها، شرایط مکانی، زمانی و روانی لازم برای برقراری و استمرار یک رابطه جنسی مطلوب، میان همسران را ندارند.

برای تبیین این مطلب، ابتدا ضرورت ارضای جنسی همسران را یادآور می‌شویم و در ادامه، سه شرط از شرایط رابطه جنسی مطلوب را از نگاه منابع دینی مرور می‌کنیم و در پایان، شرایط گفته‌شده را با موقعیت سازه‌های آپارتمانی می‌سنجیم.

به گواه تجربه زیستی انسان و تأیید همه متخصصان مربوط، یکی از ابعاد مهم وجودی انسان (زن و مرد)، جنبه جنسی و شهوانی اوست که خدای حکیم آن را به‌صورت غریزه‌ای بسیار قوی، در وجودش قرار داده است که باید از راه درست آن ارضا شود. اهمیت ارضای این غریزه، ازآنجاکه با ادامه نسل بشر نیز مرتبط است، دوچندان می‌شود؛ بنابراین نه‌تنها از ظهور آن در سطح هوشیاری نباید جلوگیری کرد؛ بلکه باید شرایط ارضای بهینه آن را فراهم کرد؛ زیرا ارضای صحیح آن، تأثیرات فراوانی بر تربیت انسان و سطوح رضایت زناشویی دارد و در نقطه مقابل، سرکوب این غریزه، افزون بر به خطر انداختن تداوم نسل بشر، بیماری‌های روانی و انحرافات مختلف را به دنبال دارد و به دیگر ابعاد زندگی زناشویی نیز آسیب می‌رساند (دراین‌باره ر.ک: درویش مفرد کاشانی، ۱۳۹۵، ص ۷۳-۹۰؛ فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸).

ازاین‌رو پیشوایان معصوم دین علیهم‌السلام، تأکید فراوانی بر توجه زن و شوهر، به ارضای نیازهای جنسی همدیگر دارند (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۵۰۸).

درباره اهمیت ارضای نیازهای زن نیز، احادیث جالبی وجود دارد؛ ازجمله این سخن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که می‌فرماید:

هنگامی مرد با همسرش آمیزش می‌کند، نباید مثل خروس عمل کند (خیلی سریع عمل کند)؛ بلکه باید این کار را ادامه دهد تا وقتی که زن هم مانند مرد، ارضا شود (دیلمی‌همدانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۹۴).

جالب‌تر آنکه، حضرات معصومین علیهم‌السلام افزون بر تأکید به اصل روابط جنسی همسران، شرایط کیفیت بخشیدن به آن را نیز ارائه فرمودند. ازجمله شرایطی که در سخنان آن حضرات آمده و بیشتر ساختمان‌های آپارتمانی، بستر مناسبی برای تحقق آن شرایط نیستند، موقعیت مکانی و زمانی مناسب و نیز شرایط روحی و روانی همسران است. البته به این نکته باید توجه داشت که تبیین این شرایط در متون حدیثی، به دلیل آثار روانی و تربیتی آن شرایط بر زوجین و به‌ویژه بر فرزندان است که از آنها متولد می‌شوند. اینک به سه مورد از آن شرایط که با بحث این پژوهش نیز مرتبط است، اشاره می‌شود:

۱. شرایط مکانی

ارتباط جنسی انسان‌ها، یکی از خصوصی‌ترین روابط آنهاست و معمولاً انسان‌ها دوست ندارند کسی در آن لحظات، از کار آنها باخبر شود؛ بنابراین این ارتباط باید در مکانی صورت گیرد که کسی نتواند آنها را ببیند یا صدای آنها را بشنود؛ و از این بالاتر، حتی از قرائن و علائم این ارتباط نیز باخبر نشود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره فرمودند:

هنگامی که قصد هم‌بستری با همسرتان دارید، درجایی انجام دهید که مستور باشید؛ چراکه اگر این‌گونه نباشد، ملائکه شرم می‌کنند و از آنجا خارج می‌شوند و شیاطین وارد می‌شوند و اگر فرزندی میان شما باشد، برای شیطان، شریکی پیداشده است (مقی‌هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۶، ص ۳۴۳).

۲. شرایط زمانی

در روایات معصومان علیهم‌السلام رابطه جنسی همسران در برخی زمان‌ها مکروه دانسته شده و در برخی، مستحب.

امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند:

از نزدیکی با همسرت در اوایل شب، چه در تابستان و چه در زمستان، خودداری کن؛ چراکه در آن هنگام، معده و رگ‌ها پر هستند؛ لذا نزدیکی مطلوب نیست و باعث ایجاد قولنج و فلج و نقرس و سنگ کلیه و تقطّر ادرار و فتق و ضعف بینایی می‌شود؛ پس اگر قصد این کار را داشتی، بهتر است که آخر شب باشد؛ چراکه برای بدن مفیدتر است و برای هوش فرزندی که نطفه‌اش منعقد می‌گردد، بهتر است (علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، ۱۴۰۲ق، ص ۶۴).

۳. شرایط روانی

یکی دیگر از شرایط مهم در مورد رابطه جنسی همسران، آمادگی روحی و آرامش آنهاست. این آمادگی، علاوه بر آنکه باعث رسیدن به اوج لذت آن دو می‌شود، در نطفه‌ای هم که منعقد می‌شود، تأثیر به‌سزایی دارد و زمینه انتقال صفات ارثی مطلوب را فراهم می‌سازد (فقیهی، ۱۳۸۷)؛ از این رو در احادیث، تأکید بر آن است که هنگام برقراری رابطه جنسی و آمیزش، زوجین از هرگونه اضطراب، نگرانی و موقعیت‌هایی که آرامششان را بر هم می‌زند، به‌دور باشند.

امام حسن مجتبی (ع) درباره آثار روانی و تأثیرات ژنتیکی اضطراب والدین در هنگام آمیزش، بر فرزندی که در این شرایط، نطفه‌اش منعقد می‌شود، می‌فرماید:

اگر مرد در حال آرامش و بدن غیر مضطرب، با همسرش نزدیکی کند، نطفه در رحم استقرار پیدا می‌کند و فرزند آنها شبیه پدر و مادرش می‌شود (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۸).

این مسئله، علاوه بر تأثیری که بر کودک دارد، برای زوجین (به‌ویژه برای زنان) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که اگر زن، آرامش نداشته باشد و احساس امنیت نکند، اساساً میل جنسی او ایجاد نمی‌شود و اگر هم ایجاد شود، به سرانجام مطلوب (ارگاسم) نمی‌رسد. همچنین اگر مرد آرامش نداشته باشد، میل جنسی زن نیز فروکش می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، بخش عمده‌ای از ساختمان‌های آپارتمانی موجود در کشور ایران، نمی‌توانند بستری مناسب برای تحقق شرایط یادشده باشند:

از جهت مکانی، این سازه‌ها مشکلاتی چون: محدودیت فضا، امکان انتقال صدا به اتاق‌ها و دیگر فضاهای مجاور و بعضاً امکان دیده‌شدن دارند.

از جهت زمانی، مشکل راحت نبودن ارتباط جنسی در نیمه‌های شب را دارند؛ چراکه کمترین سروصدای حاصل از رفتارهای جنسی یا دوش حمام هنگام غسل، در آن سکوت نسبی شب، امکان انعکاس در ساختمان را دارد.

و به جهت محدودیت در مکان و زمان، روابط جنسی همسران آپارتمان‌نشین، در مکان‌ها

و زمان‌هایی انجام می‌شود که بعضاً با استرس، شتاب‌زدگی، عدم تمرکز و احساس ناامنی همراه است و بر همین اساس، در اغلب موارد، رضایت جنسی را برای آنها در پی ندارد به گفته متخصصان مربوط، از دلایل عدم «ارگاسم» بانوان، احساس ناامنی و عدم تمرکز ذهنی آنان است (ر.ک: <https://www.drnematolahi.com/NewsDetails.aspx?id=275>).

بر اساس گفتگوهای حضوری با برخی ساکنان خانه‌های آپارتمانی و شواهدی که در برخی پژوهش‌های مربوط دیده شد، نگارنده به این نتیجه رسید که عده‌ای از همسران ساکن در آپارتمان‌ها، به‌ویژه کسانی که دیوارهای حائل و کف و سقف خانه آنها، فاقد عایق صوتی است و نیز کسانی که در واحدهای (آپارتمانی و ویلایی) کمتر از ۷۰ متر زندگی می‌کنند (به دلیل حضور فرزندان)، با محدودیت و یا ناکامی جنسی روبرو هستند. برای نمونه در پژوهشی آماری، فاکتور «رضایت‌مندی از روابط جنسی»، در ساکنان آپارتمان، ۲۳/۱ درصد و در ساکنان غیر آپارتمان، ۳۴ درصد گزارش شده است (ر.ک: باقری، ۱۳۹۲، ص ۷۴-۶۱).

اگر این مسئله را به «افسردگی» (ر.ک: ترکاشون، ۱۳۹۴) و «اضطراب»‌های ناشی از آپارتمان‌نشینی ضمیمه کنیم، در این صورت می‌توان این فرضیه را جدی‌تر مطرح کرد که: بین آپارتمان‌نشینی و شیوع برخی مشکلات جنسی، ازجمله «زودانزالی»، «دیرانزالی»، «عدم نعوظ» و «عدم ارگاسم»، می‌تواند رابطه معناداری وجود داشته باشد.

۲. پایمال شدن برخی حقوق کودکان

از دیگر آسیب‌های شایع آپارتمان‌نشینی در اغلب موارد، آزاد نبودن کودکان در جست‌وخیز و محدودیت در بازی‌های کودکان است؛ چراکه جست‌وخیز و بازی‌های کودکان، اغلب با سروصدا همراه است و با حقوق همسایگان مجاور، به‌ویژه طبقات پایین هر واحد آپارتمانی، تداخل دارد؛ ازاین‌رو بزرگسالان برای جلب رضایت همسایگان و اذیت نشدن ایشان، معمولاً کودکان خود را از بازی‌های پرسروصدا منع می‌کنند و چون با مقاومت کودکان روبه‌رو می‌شوند، به‌ناچار متوسل به خشونت می‌شوند؛ بنابراین آپارتمان‌نشینی، دست‌کم با «حق آزادی کودکان» در رفتار دلخواه و «حق بازی» آنان، در تداخل است. این در حالی است که آزاد بودن و بازی کردن، دو نیاز از نیازهای طبیعی و اساسی کودکان است و بدون آن، کودکان از رشد سالم برخوردار نخواهند شد.

در ادامه، دو نیاز یادشده را بیشتر بررسی می‌کنیم:

الف) حق آزادی کودکان در رفتار دلخواه

کودکان در سال‌های نخست زندگی خود، هنوز درک کاملی از خوب یا بد بودن، سود یا زیان رفتارهایشان ندارند؛ اما بسیار کنجکاوند؛ لذا برای ارضای حس کنجکاوی خود، رفتارهایی را انجام می‌دهند که بعضی از آنها با سروصدا همراه است و همسایگان را اذیت می‌کند؛ مثلاً برای جابه‌جایی، از دویدن استفاده می‌کنند؛ اشیایی را به زمین یا به وسیله‌ای دیگر می‌کوبند؛ برخی اوقات داد می‌زنند و... دین اسلام، با درک درست این نیاز، کودکان را در این سنین، آزاد می‌گذارد تا هرگونه که خواستند، رفتار کنند... به همین جهت پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «کودک، هفت سال حاکم است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۹۵). روشن است که این سخن پیامبر ﷺ، به این علت است که کودک تا هفت سالگی نمی‌داند کدام رفتار خوب است و کدام بد. او به مقتضای طبیعت خود، دوست دارد آزاد باشد و به دلخواه خودش رفتار کند. براین اساس، پیامبر بزرگوار ﷺ اجازه می‌فرمودند که کودکان بر پشت ایشان سوار شوند؛ تا آنجا که در موردی، سجده خود را نیز برای سواری دادن به نوه دل‌بند خود طولانی کردند (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۹۴).

ممانعت از رفتارهای دلخواه کودکان در سال‌های نخست زندگی آنان، می‌تواند اختلال‌هایی روانی و رفتاری را نیز بر آنها تحمیل کند. بر اساس برخی پژوهش‌های آماری، کودکانی که در آپارتمان‌ها سکونت دارند و با محدودیت‌های ناشی از آپارتمان‌نشینی روبرو هستند، بیشتر به اختلالات رفتاری مبتلا می‌شوند. مقاله «رابطه سبک معماری سنتی ایران و معماری آپارتمانی با بیش‌فعالی در کودکان ۷ - ۱۲ سال و شادکامی والدین آنها در شهر یزد»، یکی از آن پژوهش‌های آماری است. نویسندگان این مقاله، با مقایسه رفتارهای تعدادی از کودکان ساکن در واحدهای ویلایی با همان تعداد و ویژگی سنی از کودکان ساکن در خانه‌های آپارتمانی، به نتایجی جالب دست یافتند. بر اساس این پژوهش، علائم اختلال «کم‌توجهی» و «بیش‌فعالی»، در کودکان ساکن در خانه‌های آپارتمانی، بیشتر از گروه مقابل دیده می‌شود. در بخشی از «بحث و نتیجه‌گیری» این مقاله آمده است: «فضاهای متفاوت خانه‌های ویلایی سنتی، به کودکان اجازه می‌دهد تا با حرکت در این فضاها، اثر تنش و استرس‌های دریافتی را کاهش دهند و انرژی خود را بهتر تخلیه کنند؛ و به این ترتیب، مدیریتی در



تنظیمات هیجانات منفی و مثبت ایجاد می‌شود و همین امر می‌تواند در تعاملات مادر و کودک [نیز] تأثیر بسزایی داشته باشد؛ اما در خانه‌های کوچک آپارتمانی، به علت عدم وجود فضاهای مناسب حرکتی، تنش‌های افراد خانه دائماً به یکدیگر منتقل می‌شود و در این مورد، کودکان بیش از همه در معرض دریافت هیجانات منفی اطرافیان قرار می‌گیرند. ... نتایج آماری به دست آمده نشان می‌دهد، سلامت روانی کودکان ساکن [در] منازل سنتی، نسبت به گروه ساکن در آپارتمان، تفاوت معنادار دارد» (ر.ک: آملال، ۱۳۹۶).

ب) حق بازی کودکان

توجه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به بازی کودکان، حاکی از این است که «بازی» از نیازهای طبیعی هر انسان در دوره کودکی است. آن حضرات علاوه بر اینکه کودکان را در بازی آزاد می‌گذاشتند، خود نیز در بازی آنان همراه می‌شدند و از این طریق، هم به بازی آنان رونق می‌دادند و هم به شخصیت آنها احترام می‌گذاشتند (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴).
عبدالله بن شیبۀ از پدرش نقل می‌کند:

روزی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قصد اقامۀ نماز کرد، درحالی‌که حسن رضی‌الله‌تعالی‌عنه را در بغل داشت. حضرت او را کنار خود نشاند و مشغول نماز شد. هنگامی‌که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به سجده رفت، سجده طولانی شد. من سرم را از میان جماعت بالا بردم دیدم که حسن رضی‌الله‌تعالی‌عنه روی کتف حضرت است. وقتی پیامبر سلام نماز را داد، مردم پرسیدند: سجده‌ای را به اندازه‌ای طول دادید که سابقه نداشت. گویا وحی‌ای نازل شد؟! حضرت فرمود: «وحی‌ای نشد؛ فرزندم بر دوشم بود، نخواستم عجله کنم تا او خود پایین بیاید.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۴).

یادآوری این نکته لازم است که توجه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به بازی کودکان، تنها منحصر به حسنین علیهما‌السلام نبوده و وجود نقل‌های دیگر، حاکی از بازی آن حضرت با دیگر کودکان است (ر.ک: حسینی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷-۱۱۸).

۳. پایمال شدن برخی حقوق معلولان و سالمندان

در حال حاضر، اغلب سازه‌های آپارتمانی به دلایل مختلف، اجازه حضور طولانی‌مدت و یا دائم سالمندان و معلولان در کنار دیگر اعضای خانواده را نمی‌دهد. نبود امکانات مورد نیاز سالمندان و معلولان، در کنار محدودیت فضایی خانه‌های آپارتمانی، بخشی از آن دلایل است.



ازسوی دیگر، تعداد سالمندان رو به فزونی است و نگره‌داری از ایشان در خانه سالمندان هم آسیب‌های فراوان مربوط به خود را دارد که جای پرداختن به آن در این پژوهش نیست؛ بنابراین گسترش سازه‌های آپارتمانی، بدون در نظر گرفتن نیازهای معلولان و سالمندان، می‌تواند ادامه زندگی این دو قشر ارجمند را در کنار فرزندان و خانواده خود به چالش بکشد و آسیب‌های مختلف روانی و عاطفی را به آنان تحمیل کند.

گفتنی است، دین اسلام به نگره‌داری و مراقبت از پدر و مادر سالمند و یا عضو معلول خانواده، توصیه‌های مؤکدی دارد؛ برای نمونه، در قرآن کریم، در سورهٔ اِسراء، آنجا که خداوند متعال، به احسان به پدر و مادر سفارش می‌فرماید، از تعبیر «يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ» (اِسراء: ۲۳)؛ نزد تو به سال‌خوردگی می‌رسند، استفاده می‌کند. از این تعبیر، می‌توان اصل بودن و اولویت نگره‌داری از پدر و مادر سالمند در نزد خود را استفاده کرد (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۴۱). همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فضیلت رسیدگی به معلولان و مراقبت از آنها فرموده‌اند: هرکس ناتوان جسمی را در کارش کمک کند، خدای متعال او را در کارش کمک می‌نماید و در قیامت، فرشتگانی بر او می‌گمارد که وی را در پشت سر نهادن آن صحنه‌های هراسناک و گذر از گودال‌های آتش، کمک کنند تا از دود و بادهای سوزان آنها، چیزی به او اصابت نکند و با سلامت و امنیت، از صراط به سوی بهشت بگذرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۳۰۵). در این باره، امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا امور ازکارافتادگان و بلادیدگان را سامان دهند» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۸۹).

۴. چالش‌ها و آسیب‌های ناشی از ازدحام و دیدارهای مکرر

در یک مجموعه آپارتمانی، معمولاً هرکدام از زنان و مردان ساکن در آن، روزانه به‌طور معمول، یک تا چند بار از راه‌پله یا آسانسور ساختمان استفاده می‌کنند. همچنین، یکی - دو بار هم به محوطهٔ ساختمان و یا فروشگاه داخل و یا مجاور ساختمان، رفت‌وآمد می‌کنند؛ بنابراین در این مجموعه‌ها، کاملاً زمینهٔ «ازدحام» و «دیدارهای مکرر» اعضا با یکدیگر فراهم است. شرایط پرازدحام، کنترل انسان را بر ارتباطات فردی کاهش می‌دهد و توانایی حرکت آزادانه را برای کسب منابع، محدود می‌سازد (طاهری، ۱۳۹۵) و دیدارهای تکراری، اگرچه در اصل می‌تواند منجر به «جاذبه» و «صمیمیت» شود (ر.ک: سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۰۵)؛ اما در شرایطی، با تعرض به خلوت و قلمروی اشخاص و خانواده‌ها، می‌تواند اسباب «آزردگی خاطر»، «کم‌مهری»، «ترش‌رویی» و «عدم آسودگی» آنان را فراهم سازد.

براین اساس، باید میان دو نیروی مخالف «در دسترس دیگران بودن» (ازدحام) و «دوری از دیگران» (خلوت) تعادل برقرار شود و در سایه همین تعادل است که شخص، استقلال فردی پیدا می‌کند، هیجاناتش کم می‌شود، در ارزیابی خودش موفق‌تر عمل می‌کند و با تنظیم ارتباطات خود، به آن قوام می‌بخشد (رئیس، ۱۳۹۴؛ کوکرین، ۱۳۷۶، ص ۷۰-۷۱ و ۷۸-۷۹).

بنابراین در آموزه‌های اسلامی اگرچه به صورت کلان در قالب «زیارت مؤمنان»، «صله رحم» و «الفت با مردم»، توصیه به داشتن رابطه شده است؛ اما برای تعدیل این ارتباط‌ها و ثمربخش بودن آنها، هشدارهایی نیز بیان شده است. این معنا از روایات زیر قابل استفاده است:

- رسول خدا ﷺ: یک روز در میان دیدار کن تا مهرت افزون گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۳۵۵).

- امام علی (ع): دیدار یک‌درمیان (نه هرروز)، از ملالت [و آزرده‌گی خاطر] پیشگیری می‌کند (همیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۱).

- باز آن حضرت در وصیتی به امام حسین (ع) فرمودند: پیامد دیدار زیاد [و پی‌درپی]، آزرده‌گی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۲۳۷).

- همچنین فرمودند: کسی که دیدارش زیاد شد، گشاده‌رویی [و شادمانی] او کم می‌شود (همیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۰۰۴).

- آن حضرت در جایی دیگر فرمودند: برای کسی که با مردم بیشترین نشست و برخاست را دارد، آسودگی در کار نیست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۰).

نکته دیگر اینکه «هر رابطه‌ای، لذت‌بخش نیست؛ شرط اساسی لذت‌بخش بودن یک ارتباط، هماهنگی روحی طرفین است. اگر این هماهنگی، وجود نداشته باشد، رابطه میان افراد، [نه تنها] لذت‌بخش نبوده؛ بلکه مایه رنج و عذاب [نیز] خواهد شد و بر مشکلات روحی و روایی انسان می‌افزاید؛ ازاین‌رو در آموزه‌های اسلامی، در شرایطی، تنهایی، بر داشتن رابطه ترجیح داده شده است. براین اساس، امام علی (ع) می‌فرماید:

آسودگی را جست‌وجو کردم و آن را نیافتم مگر در ترک ارتباط با مردم، جز برای برقرار ماندن زندگی دنیا. دنیا و ارتباط با مردم را ترک کنی تا در دوجهان، آسوده باشید و از عذاب الهی، ایمن گردید (شعیری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۳).



اینجاست که اگر میان اعضای ساکن در آپارتمان، کسانی باشند که هماهنگی روحی لازم با دیگر اعضا را نداشته باشند، در این صورت مواجهه مکرر با آنان، نه تنها جاذبه نمی‌آفریند؛ بلکه موجب ناراحتی و تنش روحی میان آنها می‌شود.

۵. کاهش یا گسست پیوندهای خویشاوندی و اجتماعی

یکی از عوامل مزاحمت و تعدی به حقوق دیگران در آپارتمان‌ها، رفت‌وآمدهای زیاد، ایجاد سروصداهای نامتعارف و مهمانی‌دادن‌های وقت‌وبی‌وقت است؛ بنابراین کسانی که به این مسئله بی‌توجه هستند و رفتارهای پرسروصدا دارند، همواره آرامش دیگر اعضای ساختمان را به مخاطره می‌اندازند. کسانی هم که به این مهم توجه دارند و سعی در پیشگیری از مزاحمت‌های یادشده دارند، اغلب ترجیح می‌دهند رفت‌وآمدها و مهمانی‌های خود را به حداقل برسانند؛ اینجاست که کم‌کم، مهمانی‌ها و مهمان‌نوازی‌ها، جای خود را به انزوا می‌دهد و رفته‌رفته، پیوندهای خویشاوندی و همبستگی‌های اجتماعی با خطر گسست روبرو می‌شوند. این در حالی است که حفظ و تقویت پیوندهای خویشاوندی، یکی از اصول بنیادین نظام اجتماعی اسلام است تا آنجا که مسئولیت پاسداشت آن، هم‌ردیف با پاسداشت حرمت الهی (نساء: ۱) و در زمره بالاترین مراتب رفتارهای دینی پس از ایمان به خداوند متعال ذکر شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۴۹۱).

همچنین در روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام، برای روابط خویشاوندی و تقویت آن، آثار بسیاری بر زندگی انسان در دنیا و همچنین بر زندگی پس از مرگ او شمرده شده است؛ از جمله: طولانی شدن عمر، دفع بلا، جلوگیری از مرگ ناخوشایند، سلامتی بدن، رفع فقر، فزونی روزی، آبادی شهرها، اصلاح اخلاق، آرامش و شادکامی، آسانی حساب قیامت، فرونشاندن خشم خداوند، قُرب الهی، عبور آسان از پُل صراط، صیانت از گناهان و... که حصول هر یک از آنها عامل مهمی در رفع مشکلات خانواده‌ها و دفع ناهنجاری‌های جامعه خواهد بود (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷، ص ۱۹۴ و ۲۱۱؛ ۷۱، ص ۹۳، ۱۰۸، ۱۳۸، ۱۱۸؛ ج ۷۳، ص ۳۱۵؛ ج ۷۴، ص ۸۸).

برخی پژوهش‌های علوم اجتماعی نیز نشان می‌دهند که بین سلامت خانواده با روابط خویشاوندی، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. از نگاه این پژوهش‌ها، ارتباط و تعامل بیشتر با خویشان هم‌سنگ، سبب تعادل و پایداری خانواده و تقویت سلامت آن می‌گردد (ر.ک: پناهی، ۱۳۹۱، ص ۴۰-۴۱).

از منظر روان‌شناسان نیز، انس با دوستان، آشنایان و خویشان، ازجمله عوامل دستیابی به سلامت روانی و شادکامی اعضای خانواده است (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۵) و اساساً ارتباط با دیگران، خواسته و نیاز هر انسان عاقلی است؛ چراکه «تنهایی برای انسان، تلخ و آزاردهنده است. انسان دوست دارد با دیگران باشد و با آنان رابطه برقرار کند. این نیازی عاطفی است. انسان تنها، احساس خلأ می‌کند؛ احساس دردآوری که هیچ‌چیز حتی ثروت، شهرت و ریاست آن را پُر نمی‌کند. انس با دیگران، یکی از نیازهای جدی بشر است؛ بنابراین انس و صمیمیت، یکی از عوامل مهم در نشاط و شادابی است» (پسندیده، ۱۳۹۵، ص ۴۷۳). براین اساس، آنها که پُرفرت و آمد بوده و در روابط اجتماعی خود، گرم‌تر و صمیمی‌ترند، احساس شادی بیشتری دارند؛ در نقطه مقابل، علت برخی افسردگی‌ها، به‌تنهایی و دوری از برقراری روابط اجتماعی ربط پیدا می‌کند.

نویسندگان کتاب «روانشناسی مثبت‌نگر» معتقدند: یکی از تسهیل‌کننده‌های بزرگ شادکامی، روابط اجتماعی ماست. صرف وقت در موقعیت‌های اجتماعی، میزان نشاط ما را افزایش می‌دهد. آنها از پژوهشی تجربی نام می‌برند که توسط «دَنیل کَامَن» انجام گرفته است. نتایج تحقیق او نشان داد، گروه نمونه، شادترین اوقات را زمانی داشتند که با دیگران بودند و اندوهگین‌ترین اوقات را زمانی داشتند که تنها بودند (هفرن، ۱۳۹۴، ص ۸۷-۸۸؛ آرگایل، ۱۳۸۲، ص ۱۵). «مایکل آرگایل» نیز یکی دیگر از روان‌شناسان مثبت‌گراست که معتقد است: «روابط خویشاوندی، یکی از بزرگ‌ترین منابع کاهش اندوه است.» (آرگایل، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲).

حاصل اینکه، باوجود اهمیت پیوندهای خویشاوندی و اجتماعی، این مهم در سازه‌های آپارتمانی به دلایلی که گفته شد، با خطر کم‌رنگی و در گذر زمان، با گسست روبرو است.

۶. بروز انواع آزارها (ایذاء)

در ساختمان‌های آپارتمانی، به دلیل ویژگی‌های نقشه‌ای - سازه‌ای و محیطی آن و نیز اختلاف در سبک زندگی و فرهنگ‌ها و در بعضی موارد، تضاد فرهنگی میان ساکنان آن، همواره زمینه بروز آزارهای خودآگاه یا ناخودآگاه وجود دارد. مواردی چون: بلندکردن صدای رسانه‌های صوتی و تصویری، ایجاد صداهای ناهنجارِ وقت‌وبی‌وقت، بگومگوهای خانوادگی با صدای بلند، صداهای ناشی از لوله‌های فاضلاب و هواکش‌های مشترک، صدای



حاصل از حرکت آسانسور، رفت‌وآمدها و مهمانی‌ها در زمان‌های استراحت، تعمیرات جزئی و کلی در مدت کم یا زیاد، استفاده اختصاصی از فضاهای مشترک ساختمان، پارک خودرو در پارکینگ اختصاصی همسایه، رهاکردن وسایلی که جایشان در انباری است، در زیرپله‌ها و راه‌پله‌ها، انباشت زباله‌های منزل و اشاعه بوی متعفن آن در آسانسور و راه‌پله هنگام انتقال آن به بیرون از ساختمان.

آسیب «همسایه‌آزاری» تا بدان اندازه است که در روایات اسلامی، در باب حقوق همسایگان، بیشترین توجه و اهتمام به این موضوع اختصاص یافته است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در بیانی اندازی می‌فرماید:

هرکه همسایه‌اش را بیازارد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌گرداند و جایگاهش دوزخ است که بد بازگشتگاهی است! (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۳).

آن حضرت همچنین در پی شکایت یکی از انصار از شر همسایه‌اش، بی‌درنگ به حضرت علی علیه السلام و جناب سلمان، اباذر و مقداد، دستور می‌دهند که در مسجد با صدای بلند بگویند: کسی که همسایه‌اش از شر وی در امان نیست، ایمان ندارد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۴۸۷). امام علی علیه السلام نیز یکی از نشانه‌های انسان‌های باتقوا را عدم آزار همسایگان برمی‌شمرد (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۹۳).

اهمیت این موضوع به قدری است که یکی از خواسته‌های پیشوایان معصوم دین علیهم السلام از درگاه خدا، این است که همسایه‌آزار نباشند و یا در مجاورت همسایه‌ای که از اذیت دیگران پروایی ندارد، قرار نگیرند. برای نمونه، امام صادق علیه السلام، هنگامی که از عرفات به سوی مشعرالحرام در حرکت بود، از پیشگاه خداوند متعالی چنین درخواست می‌کند: «خدایا! به تو پناه می‌برم از اینکه به کسی ستم کنم ... یا همسایه‌ای را بیازارم» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۴۱) یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از مناجات‌های خود با خدا، عرضه می‌دارد: «خدایا! به تو پناه می‌برم از همسایه‌ای که مرا آزار دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۳۶۰).

در عباراتی دیگر آن حضرت فرموده‌اند که «آزار همسایه، چیزی جز لعنت خدا، فرشتگان و مردم به دنبال نخواهد داشت» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۵۶). همچنین، اذیت همسایگان، از نشانه‌های خائن یا جائز به شمار آمده است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲).

شاید پرسیده شود که علت نکوهش این اندازه مزاحمت و آزار در تعامل با همسایگان چیست؟ پاسخ این است که هیچ عاملی به اندازه آزار و آسیب‌رسانی، رشته‌های محبت و پیوندهای دوستی را از هم نمی‌گسلد؛ زیرا اصولاً آرامش زندگی به این است که انسان از اذیت و آزار دیگران در امان باشد و کسی به او آسیب جسمی و روحی نرساند و مزاحم رفاه، برخورداری و آسایش او نگردد. این حق طبیعی هر انسان است و هرکسی که دیگران را از این حق محروم کند، در حق آنان ظلم کرده است (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۱۵۶).

البته یادآوری این نکته لازم است که زندگی اجتماعی، مستلزم محدودیت‌هایی است که گاهی آزاردهنده به نظر می‌آیند؛ اما با ملاحظه حقوق دیگران، این محدودیت‌ها، آزار به حساب نمی‌آیند؛ بنابراین منظور از آزار همسایگان، هرگونه رفتاری است که افراد از سر خودخواهی و بدون در نظر گرفتن مصالح دیگران و بدون داشتن عذر موجّه (عقلی، عرفی، قانونی و شرعی) مرتکب می‌شوند و با آن رفتار، موجبات ناراحتی و زحمت همسایه یا همسایگان‌شان را فراهم می‌سازند.

۷. بروز زمینه‌های کاهش حیا

در اغلب ساختمان‌های آپارتمانی موجود، چندین نقص طراحی - سازه‌ای وجود دارد که هرکدام در جای خود، می‌توانند زمینه کاهش حیا در ساکنان آن را فراهم کنند. مهم‌ترین این نقص‌ها عبارتند از:

- محل توالت، معمولاً در مقابل دید دیگران است.
- هواکش‌های حمام و توالت، اغلب با همسایگان، مشترک‌اند.
- سیفون توالت و حمام هر واحدی، به‌ناچار در سقف توالت و حمام واحد طبقه پایین و البته بدون عایق صوتی تعبیه می‌شود.
- اتاق خواب والدین، گاهی در مجاورت اتاق خواب فرزندان قرار دارد و معمولاً دارای یک تا دو دیوار مشترک با همسایگان است.
- در برخی آپارتمان‌ها، پنجره اتاق خواب والدین، در مجاورت و تحت اشراف پنجره اتاق خواب (والدین یا فرزندان) واحدهای دیگر است.
- دیوارها، کف و سقف خانه‌ها، اغلب فاقد عایق صوتی‌اند.
- در مجتمع‌های مسکونی، از آنجاکه معمولاً بلوک‌ها فاصله کمی از هم دارند، واحدها از



طریق پنجره‌ها و دیوارها، تحت اِشراف بَصَری و سمعی همدیگرند.

- بالکن این خانه‌ها، اغلب بدون حفاظ مانع از دید دیگران است.

- آپارتمان‌هایی که هر طبقه آن بیش از یک واحد دارند، در اغلب موارد، فضای مشترک

بین واحدها، به اندازه کافی وسعت ندارد.

- آشپزخانه این سازه‌ها، اغلب بدون دیوار و کاملاً در مقابل دید حاضران در سالن

پذیرایی است.

حال پرسش این است که موارد یادشده، چگونه می‌توانند در کاهش عنصر- «حیا» نقش

ایفا کنند؟

برای تبیین این موضوع، به‌ناچار باید بحثی کوتاه درباره «حیا» داشته باشیم؛ ابتدا از

چیستی حیا شروع می‌کنیم.

تعریف حیا

در تعریف اهل لغت از «حیا»، سه محور وجود دارد: یکی اینکه حیا، «تغییر و انکسار

(اثربخشی) درونی» است (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸۲)؛ دیگری اینکه حیا، «انقباض

(گرفتگی) نفس» است (راغب اصفهانی، [بی‌تا]، ص ۲۷۰)؛ و سوم اینکه حیا «عامل بازدارنده»

است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۱۷).

علمای اخلاق همچون: نراقی، ابن‌مسکویه و غیره نیز در تعریف حیا از تعبیرهای

متفاوتی استفاده کرده‌اند که از مجموع آنها نکات زیر به‌دست می‌آید:

اول اینکه حیا، هنگام روبروشدن با یک فعل قبیح رخ می‌دهد.

دوم اینکه در این حالت، روان انسان، حالت انکسار، انفعال، انقباض، انزجار و انحصار

پیدا می‌کند؛ این حالت ضد بازبودن و علاقه‌مند بودن است.

سوم اینکه این نوع برانگیختگی در عمل، هم موجب انجام کاری است و هم موجب

ترک کاری که از آن به‌عنوان تنظیم رفتار یاد می‌شود. در برخی تعریف‌ها، به مصداق‌هایی

از این فعل و ترک اشاره‌شده که فقط از باب نمونه است.

چهارم اینکه حیا، زیرمجموعه ترس است؛ زیرا علت برانگیختگی هنگام مواجهه با کاری

زشت، یا ترس از سرزنش و نکوهش مردم است و یا ترس از ارتکاب آن. البته در برخی

تعریف‌ها تصریح شده بود که علّت حیا، زشتی و نقصان خود عمل است. پنجم اینکه منشأ زشت دانستن یک عمل، یا شرع است یا عقل و یا عرف و آداب یک جامعه (ر.ک: پسندیده، ۱۳۸۴، ص ۲۱-۲۲).

بنابراین حیا، بازدارنده و مهارکننده است؛ اما نکته این است که در تعریف بسیاری از صفات، از واژه‌هایی چون «حبس النفس» یا «کف النفس» یا «ضبط النفس» و ... استفاده می‌شود که بیانگر مفهوم «بازدارندگی» است؛ پس وجه تمایز حیا با دیگر صفات بازدارنده چیست؟ چه چیزی سبب می‌شود که بازدارنده‌ای را «حیا» بنامیم و دیگری را «صبر» و سومی را «ترس» و...؟

این پرسش مهم، ایجاب می‌کند که آیات و روایات مربوط به این موضوع را نیز بررسی کنیم: بخشی از آیات و روایات مربوط به حیا، در مورد کسانی است که در حضور مردم، شرم می‌کنند؛ اما در خلوت و جایی که کسی حضور ندارد، حیا را رعایت نمی‌کنند (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۴ و ۵۰۲)؛ برخی دیگر از روایات، افرادی را که در حضور مردم، حیا نمی‌ورزند نکوهش می‌کند (هیثمی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۷)؛ و روایات دیگری، مردم را به حضور و نظارت فرشتگان، امامان معصوم و خدا توجّه می‌دهد و آنان را به حیا فرامی‌خواند (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۱۶۳). مجموع این شواهد و قرائن، ثابت می‌کند که فصل مقوّم و وجه تمایز حیا از دیگر بازدارنده‌ها، عنصر «نظارت» است (ر.ک: پسندیده، ۱۳۸۴، ص ۲۷). از آنچه بیان شد، پایه‌های اساسی تشکیل‌دهنده حیا هم مشخص می‌شوند؛ این پایه‌ها عبارتند از: ۱. مهارکردن نفس (خویشتن‌داری)؛ ۲. فعل قبیح؛ ۳. حضور و نظارت؛ ۴. شخص حیاکننده.

عوامل بی‌حیایی

پس از آشنایی با چیستی حیا و اهمیت آن، این پرسش پیش می‌آید که چه عواملی سبب کاهش یا ازبین‌رفتن حیا می‌شوند؟ در این زمینه در منابع دینی، به چند عامل اشاره شده است. این عوامل عبارتند از: ۱. جهل، ۲. تکرار، ۳. شکسته شدن حرمت، ۴. شرب خمر. از میان عوامل یادشده، عامل «تکرار قبیح»، بیشترین ارتباط را با موضوع این پژوهش دارد و در مرتبه بعد، عامل «شکسته شدن حرمت». به این جهت این دو عامل را اندکی توضیح می‌دهیم:



۱. تکرار

فرد باحیا نسبت به تکرار قبیح، حسّاس است و تجربه متعّدّد فعل قبیح، می‌تواند به بی‌حیایی منجر شود. ممکن است فرد باحیا، به جهت غفلت یا لغزش، مرتکب فعل قبیح شود؛ گرچه در مرتبه اوّل، این کار همراه با شرمندگی و سرافکندگی خواهد بود؛ اما اگر تکرار گردد، سبب ازمیان‌رفتن قبیح آن کار می‌گردد و هنگامی که قبیح عملی از میان برود، دلیلی برای شرم، وجود ندارد (پسندیده، ۱۳۸۴، ص ۳۵۲)؛ به‌همین جهت امام‌علی (ع) می‌فرماید: «به تحقیق قبیح، افزایش یافت تا آنجا که حیای از آن کاهش یافت» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶۷۱). آن حضرت در سخن دیگری می‌فرماید: «خطاکاری هرکس زیاد شود، حیای او کاهش می‌یابد» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، حکمت ۳۴۹).

آری، تجربه پی‌درپی کار قبیح، می‌تواند حیا را کاهش دهد؛ مثلاً کسی که در خانه خود، پی‌درپی، با همسر و فرزندان خود با صدای بلند بگومگو می‌کند، درحالی که می‌داند صدایش را همسایه‌ها می‌شنوند، این تکرار، رفته‌رفته، حیای او را کم می‌کند. یا همسرانی که چند روز پیش، از همسایه واحد کناری خود شنیدند که آنها صدای زناشویی این دو را به‌راحتی می‌شنوند، اگر باز با بی‌اعتنایی به برنامه معمول خود اصرار ورزند، حیای ایشان به‌مرور کمتر و کمتر خواهد شد.

۲. شکسته شدن حرمت

وجود حرمت میان فرد و ناظران، عامل برانگیختگی حیاست. حضور کسی برای فرد شرم برانگیز است که دارای حرمت و احترام باشد. اگر میان آنان حرمتی وجود نداشته باشد، شرمی هم وجود نخواهد داشت؛ به‌همین جهت امام‌کاظم (ع) توصیه فرموده است که: «حرمت میان خود و برادرت را از میان نبر. چیزی از آن را باقی بگذار؛ چراکه ازمیان‌رفتن حرمت، ازمیان‌رفتن حیاست» (ابن‌شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۹).

بنابراین یکی از عوامل بی‌حیایی، بی‌آبرو شدن افراد است. از همین‌جا می‌توان به تأثیر منفی فاش کردن اسرار، عیب‌جویی و رسواسازی دیگران پی برد. اموری از این‌دست، سبب ازمیان‌رفتن حرمت و آبروی فرد می‌شود و حیای او را برطرف می‌سازد؛ به‌همین جهت توصیه فراوان شده که اسرار دیگران را فاش نسازید و کسی را رسوا نکنید؛ بلکه بالاتر از این، توصیه شده است که عیوب دیگران را بپوشانید (پسندیده، ۱۳۸۴، ص ۳۵۹).

ارتباط آپارتمان با کاهش حیا

حال برگردیم به پرسش اصلی که چگونه برخی نواقص طراحی - سازه‌ای آپارتمان، می‌تواند در کاهش عنصر «حیا» مؤثر باشد. پاسخ این پرسش، درواقع نتایجی است که از ملاحظه هرکدام از نواقص یادشده در ابتدای بحث و تطبیق آن با مطالبی که از حیا ارائه شد، حاصل می‌شود. این نتایج عبارتند از:

۱. تقریباً همه پایه‌های اصلی حیا، با برخی مسائل مربوط به آپارتمان و آپارتمان‌نشینی، نقطه‌های مشترک و مرتبط دارند.

۲. هرکدام از نواقص یادشده، دقیقاً مرتبط با بخش‌هایی از «قلمرو شخصی» (Personal territory) هستند. قلمرو یا «فضای شخصی، فضا یا حبابی فرضی در پیرامون فرد است که تعدی دیگران به آن، باعث تنش یا ناراحتی او می‌شود» (ر.ک: رئیس، ۱۳۹۴، به نقل از لنگ جان ۱۳۸۰). در نقطه مقابل قلمرو شخصی، قلمرو اجتماعی وجود دارد. قلمرو اجتماعی، فضایی برای تعامل فرد با هم‌نوعانش است. البته بین قلمرو شخصی و قلمرو اجتماعی، یک فضای بینابینی هم وجود دارد که اگرچه از قلمرو شخصی گسترده‌تر و آزادتر است؛ اما در قیاس با قلمرو اجتماعی، محدودیت‌هایی دارد.

۳. هر فرد یا گروه، رفتارهایی را در فضای شخصی خود دارد که انجام برخی از آن رفتارها در بیرون از قلمرو، قبیح به شمار می‌رود؛ مانند استفاده از توالت، رفتارهای جنسی همسران، پوشیدن انواع لباس‌های زیر، حضور بدون پوشش بانوان و بگومگو در مورد مسائل مختلف شخصی. گفتنی است، رفتارهایی که بر اساس هنجارهای حاکم، در قلمرو بینابینی انجام می‌شود، زشت شمرده نمی‌شوند؛ بنابراین فضاهای مشترک و مشاعات ساختمان آپارتمانی، به‌ویژه در نوع مجتمعی آن، به قلمرو بینابینی تعلق دارند و رفتارهای اعضای ساختمان در این قلمرو، اگر بر اساس هنجارهای تعریف شده باشد، قبیح به حساب نمی‌آیند و درنتیجه آسیبی به عنصر - حیا نخواهند رساند. برای مثال، مردان ساکن مجتمع‌های آپارتمانی، در ورودی‌ها، راهروها، فضای سبز یا پارکینگ، عرفاً مجاز به استفاده از لباس ورزشی یا لباس کار، دمپایی و... هستند و این رفتارها زشت شمرده نمی‌شوند.

۴. نوع سازه‌های آپارتمانی با توجه به ویژگی‌های نقشه‌ای، سازه‌ای و محیطی آن،



کم‌وبیش، زمینه‌ساز اشراف و نظارت دیگران بر رفتارهایی است که منحصرأ در قلمرو شخصی انجام می‌شوند و صاحبان این رفتارها نیز اغلب از نظارت یادشده آگاه هستند. همین امر، از آنجاکه در نوع ساختمان‌های آپارتمانی تداوم و تکرار دارد، این تکرار، سبب کاهش حیا در میان اعضای ساکن می‌شود. به بیان دیگر، اشراف دیگران بر قلمرو شخصی فرد یا خانواده، سبب تداخل مرزهای دو طرف قلمرو می‌شود و این به هم‌ریختگی مرزها، به هر دو طرف مرز آسیب می‌زند؛ از طرفی، صاحب قلمرو شخصی، حقوق و امنیت روانی خود را از دست می‌دهد و از طرف دیگر، واردشونده به قلمرو فرد مقابل، از فرد خویش‌تن‌دار، به فرد متجاوز تبدیل می‌شود.

۵. برخی افراد ساکن در آپارتمان‌ها، به دلایل گوناگون، در مورد برخی فضاهای عمومی ساختمان، به نوعی، قلمروانگاری دارند؛ براین اساس، برخی رفتارهایی را که منحصرأ در قلمرو شخصی خود دارند، در فضای قلمروانگارانه و یا قلمرو بینابینی نیز انجام می‌دهند؛ مانند حضور آقایان با لباس‌های زیر و بانوان به صورت نیمه‌پوشیده در راهروها و راه‌پله‌های ساختمان و محوطه مشترک مجموعه مسکونی. در این فرض، آسیب «کاهش حیا» بیشتر خواهد بود.

۸. کاهش «تعاملات همسایگی»

همسایگی، یکی از مهم‌ترین واحدهای اجتماعی است که بخشی بزرگ از تعاملات و روابط اجتماعی مردم را در خود جای داده است. کاهش تعاملات همسایگی، در وهله نخست، معلول توسعه شهری و شهرنشینی است؛ یعنی تغییرات گسترده در حوزه شهری، باعث تغییر در سبک زندگی و الگوی رفتاری به‌ویژه در حوزه روابط همسایگی شده است (رازقی، ۱۳۹۵، ص ۷۷-۷۷).

عموماً پیوندهای همسایگی، نیازمند محیط‌هایی است که در آن ارزش‌های اجتماع گرایانه بر ارزش‌های فردگرایانه غلبه داشته باشند. بررسی‌هایی که تاکنون محققان علوم اجتماعی انجام داده‌اند، نشان می‌دهد فردگرایی و ارزش‌های فردگرایانه در جامعه ایران [حتی در تمام دنیا] رو به توسعه بوده است. اگر این تحولات ارزشی را بپذیریم، می‌توان گفت ضعف پیوندهای همسایگی و کاهش سرمایه اجتماعی، از پیامدهای این مسئله است (همان).

پدیده یادشده، به دو عامل، در مجموعه‌های آپارتمانی، امکان وقوع افزون‌تر و طبعاً نمود بیشتری دارد:

عامل نخست اینکه: در سازه‌های آپارتمانی، به علت محدود بودن قلمروهای اولیه (شخصی) (ر.ک: عینی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۱۸-۱۹) و نیز نزدیکی بیش از اندازه حریم‌ها و امکان تداخل آنها، ساکنان این‌گونه سازه‌ها، همواره نگران تجاوز دیگران به قلمرو خود هستند؛ براین اساس، آپارتمان‌نشینان تا آنجا که امکان دارد، از تعامل با همسایگان خود در داخل مجتمع آپارتمانی، اجتناب می‌کنند؛ مگر در موارد خیلی ضرور و به اندازه‌ای که پاسخگوی آن ضرور باشد؛ بنابراین می‌توان گفت، میزان تعامل هر عضو آپارتمان‌نشین با همسایگان داخل بلوک یا مجتمع خود، به مقداری قابل‌توجه، بسته به میزان نگرانی او از تجاوز دیگری به قلمرو شخصی خود است؛ ازاین‌رو به هر میزان که به فرد دیگر اعتماد شود، احتمال تعامل با وی بیشتر خواهد بود. گزارش‌های زیر، می‌تواند مؤید این عامل باشد:

- چون هیچ شناختی از همسایه‌ها ندارم، نمی‌توانم فرزندم را به خانه‌شان بفرستم؛ احساس نگرانی می‌کنم و چون هیچ شناختی ندارم، نمی‌توانم بگویم که حاضرم بهشان ماشین یا پول بدهم (صادقی، ۱۳۹۳).

- فقط در زمینه [مشکلات] ساختمان و درد دل اقتصادی [رابطه] داریم. ولی خودم تمایلی به این ندارم که رابطه را شروع کنم (همان).

- فقط با یک همسایه رابطه داریم؛ آن‌هم خیلی کم. بچه‌اش هم کلاس بچه من است. گاهی هم مریض بوده، رفتیم حالش را پرسیدیم (همان).

- اصلاً بعضی‌هایشان همدیگر را نمی‌شناسند و حتی یک سلام‌علیک خشک و خالی هم ندارند (محمدپور، ۱۳۹۱، ص ۹۴).

- من بچه‌دار نشدم. شش سال پیش، شوهرم از دنیا رفت و الآن فرزندى ندارم که از من سرپرستی کند ... همیشه در واحدهای این [همسایه‌ها] بسته است و اصلاً نمی‌دانم چند نفر توی این واحدها هستند یا چه کاره‌اند ... یک‌بار نزدیک پنج‌روز توی بستر بیماری افتادم ... از این همسایه‌ها نه کسی به من سرکشی کرد و نه کسی برایش مهم بود که من هستم یا نیستم ... از این می‌ترسم بمیرم توی این واحد و تا روزها کسی خبردار نشود (همان، ص ۹۶-۹۵).



عامل دوم اینکه: دسترسی همسایگان بیرون از مجموعه‌های آپارتمانی به هرکدام از ساکنان واحدهای آپارتمانی، به دلیل وجود موانع محیطی متعدد (مثل در ورودی مجتمع، نگهبانی، در ورودی بلوک و در نهایت در اصلی واحد) در مقایسه با خانه‌های غیر آپارتمانی، بسیار محدودتر است؛ و این ویژگی، ناخواسته به عدم تمایل همسایگان بیرون از مجموعه آپارتمانی برای تعامل با ساکنان درون آپارتمان، دامن می‌زند. برای مثال، اگر فردی سال‌خورده و بی‌سرپرست در واحدی آپارتمانی ساکن باشد، همسایگان بیرون از آن ساختمان یا مجتمع، برای انجام رفتارهای حمایتی از او، باید از چندین در و حیاطاً از مقابل چندین فرد عبور کنند تا به آن فرد سال‌خورده برسند؛ لذا ترجیح می‌دهند اصلاً اقدامی در این زمینه انجام ندهند.

به این ترتیب می‌توان گفت آپارتمان‌نشینان، رفته‌رفته تعامل اجتماعی با همسایگان خود را به کمترین حد می‌رسانند تا آنجا که این رویه، به سهم خود، به «بیگانگی اجتماعی» (ر.ک: نادری، ۱۳۸۸، ص ۲۹-۵۹)، «بی‌تفاوتی اجتماعی» (همان) و «بی‌اعتمادی اجتماعی» (ر.ک: فرهنگد، ۱۳۹۵، ص ۷۳-۹۶) دامن می‌زند؛ این در حالی است که تعامل درست و مفید با همسایگان، می‌تواند سهمی قابل‌توجه در ایجاد «همبستگی اجتماعی»، «وفاق اجتماعی» و «نشاط اجتماعی» و نیز «نشاط فردی» و «سلامت روانی فرد» و «بهداشت روانی خانواده» داشته باشد و در نتیجه، زندگی بهتر و با آرامش بیشتر را برای افراد، خانواده‌ها و جامعه به ارمغان بیاورد.

آیین اسلام برای تعاملات همسایگی، اهمیت زیادی قائل شده و برای آن دستورهایی صادر کرده است؛ برای مثال، بیانی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که بخش قابل‌توجهی از تعاملات همسایگی را شامل می‌شود:

[حق همسایه‌ات است که] اگر از تو کمک خواست، کمکش کنی. اگر از تو قرض خواست، به او قرض دهی. اگر نیازمند شد، نیازش را برطرف سازی. اگر مصیبتی دید، او را دلداری دهی. اگر خیری به او رسید، به وی تبریک بگویی. اگر بیمار شد، به عیادتش بروی. اگر مُرد، در تشییع جنازه‌اش شرکت کنی و خانه‌ات را بلندتر از خانه او نسازی تا جلوی جریان هوا را بر او بگیری، مگر آنکه خودش اجازه دهد. هرگاه میوه‌ای خریدی، برای او

تعارف بفرستی و اگر این کار را نمی‌کنی، میوه را مخفیانه به خانه‌ات ببر و فرزندت را همراه آن میوه، بیرون میاور تا کودکان او را [با دیدن آن میوه در دست فرزندت] ناراحت کنی. با [او یا دود] دیگت، او را ناراحت نکنی، مگر آنکه مقداری از غذای آن را برای او بفرستی (محمدری شهری، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۱۵۶).

گفتنی است، اساساً «همسایه» اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در دین اسلام دارد تا آنجا که حرمت او را هم‌سنگ حرمت مادر (ابن‌ابی‌الدنیا، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۷۴) و حسن رفتار با او را شرط ایمان می‌داند (شیخ‌صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۶۹).

۹. بروز رنج‌های روانی و جسمی ناشی از نداشتن اشراف و کنترل بر محیط

اغلب ساکنان سازه‌های آپارتمانی، به‌خاطر محدودیت و تراکم در قلمرو شخصی و در نقطه مقابل، به دلیل دارابودن قلمرو نسبتاً وسیع مشترک و نیمه عمومی، توان لازم در تغییر و تنظیم محیط زندگی خود به شکل دلخواه را ندارند. به عبارت دیگر، اغلب محیط‌های زندگی آپارتمانی، قابلیت پاسخ‌دهی به نیازهای ساکنان آن به میزان مورد انتظارشان را ندارند؛ بنابراین اغلب کسانی که در چنین خانه‌هایی زندگی می‌کنند، متحمل رنج‌های جسمی و روانی مختلف هستند.

این در حالی است که اقتضای اولیه «خانه»، آرامش‌بخشی آن است؛ چنان‌که خداوند متعال در قرآن فرموده است: «خدا برای شما، خانه‌هایتان را مایه آرامش قرار داد» (نحل: ۸۰). براین اساس، خانه‌ای که فاقد چنین ویژگی‌ای باشد، طبعاً کارکرد مطلوب را نخواهد داشت. خانه‌ای که فضای محدود و متراکم دارد، نمی‌تواند آسایش انسان را تأمین کند. دراین‌باره امام‌علی (ع) فرموده است: «هر که خانه‌اش کوچک باشد، آسایش او اندک است» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵۷۰۶) و شاید به همین دلیل، امام‌علی (ع) از خانه کوچک، به عنوان «کوری کوچک» یاد کرده و فرموده است: خانه کوچک، کوری کوچک است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۴۱).

بر اساس برخی پژوهش‌های مربوط، زمانی که فرد، توانایی تغییر و تنظیم محیط خود را داشته باشد، درواقع بر آن محیط، کنترل دارد؛ اما اگر اساساً فاقد چنین توانی باشد، یا به صورت محدود این توان را دارا باشد، این فرد به مرور زمان، به میزان کسری توان یادشده،



دچار احساسات و واکنش‌های روانی استرس، خشم، پرخاشگری، درماندگی و نهایتاً نومییدی خواهد شد. مفهوم کنترل [محیط]، با مؤلفه‌هایی چون: محدودیت‌های فضایی، انعطاف پذیری چیدمان فضایی، خلوت، قلمرو، چشم‌انداز مناسب، عمق، بازبودن فضای پیرامون بلوک در مجتمع، میزان دید به اطراف، پاسخ‌دهی محیط (در تأمین نیازها به میزان مورد انتظار)، کنترل بر اقالیم (خصوصی، نیمه عمومی و عمومی) و میزان دریافت نور (طبیعی و مصنوعی) ارتباط تنگاتنگ دارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱-۱۰۹).

«محدودیت‌های فضایی» هم در مورد تراکم فضا و هم در مورد حجم آن مطرح است. در صورتی که منابع فضایی، محدود و ناکافی باشد، مقدار فضای در دسترس برای تغییر در جهت رسیدن به حداکثر رضایت و تأمین نیازهای مطلوب، کاهش می‌یابد و این بدین معناست که کنترل بر محیط، کاهش یافته است (همان، به نقل از: Glass & Singer, 1972).

یکی از مفاهیم اصلی «انعطاف‌پذیری چیدمان فضایی»، درجه بازبودن فضای پیرامون، قابلیت جابه‌جایی جداکننده‌ها و مبلمان نیمه‌متحرک است. در صورتی که چیدمان فضایی، غیرقابل‌تغییر باشد، بازهم میزان اشراف و کنترل فرد بر محیط، به میزانی چشمگیر کاهش پیدا خواهد کرد (همان، به نقل از: Sommer, 1969).

«قابلیت پاسخ‌دهی محیط»، مؤلفه دیگری است که به شفافیت و سرعت پاسخ‌دهی اشاره دارد که فرد از محیط زندگی خود دریافت می‌کند. ... هرچه مدت‌زمان پاسخ‌دهی، غیرشفاف و طولانی باشد، به همان میزان، فرد به دلیل حس عدم کنترل بر محیط، احساس درماندگی خواهد کرد؛ بنابراین ناتوانی محیط زندگی فرد، در تأمین نیازهای او، یکی از عوامل اصلی گسترش استرس، درماندگی و احساس بی‌پناهی در افراد، خصوصاً کودکان است (همان، به نقل از: Cohen et al, 1986).

عدم توازن بین خلوت مورد انتظار و خلوت مورد ابتلا در محیط نیز به ایجاد استرس می‌انجامد (همان، به نقل از: Altman, 1975). آرچیا، «عمق» محیط را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کنترل آن عنوان می‌کند و فضاها را عمیق را تأمین‌کننده خلوت می‌داند (همان، به نقل از: Archea, 1977).

تجربه‌های طولانی مدت محیط‌های غیرقابل کنترل، می‌تواند ایجاد احساس درماندگی نماید و نهایتاً سبب ساز پدید آمدن بیماری‌های روان‌تنی گردد (همان، به نقل از: Evans, 2003; Evans & Stecher, 2004). زمانی که انسان در فضایی با توجه به نیازهای خویش، نیاز به تغییر را درک کند، سپس با محدودیت قدرت و اختیار خویش در تغییر شرایط روبرو شود، با مرور زمان، به ترتیب دچار احساسات و واکنش‌های روانی استرس، خشم و پرخاشگری، درماندگی و نهایتاً نومیدی خواهد شد (همان، به نقل از: Evans & McCoy, 1998).

نتیجه‌گیری

شاید بتوان گفت که نقطه تلاقی و سلسله‌جنبان بیشتر آسیب‌های اخلاقی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در حوزه جمعی، نزدیک بودن و گاهی تداخل بیش از حد حریم‌های خصوصی و به تعبیری، «حریم خلوت» خانواده‌ها در خانه‌های آپارتمانی است و بسا، اعضای خانواده‌های ساکن در این سازه‌ها، معمولاً از مواجهه زیاد و هم‌نشینی با همسایگان خود پرهیز می‌کنند تا مبدا حریم خصوصی‌شان به کلی از میان برود.

موضوع «خلوت» و نیاز انسان به «خلوت‌گزینی»، امروزه یکی از مسائل مطرح در پژوهش‌های روان‌شناسی محیطی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انسان، علاوه بر اینکه برای ارضای بسیاری از نیازهای پایه و فیزیولوژیک خود، نیاز به قرارگاه‌های خلوت دارد، با ایجاد شرایط برای تنها شدن و خلوت کردن، از محرک‌ها و رویدادها فاصله می‌گیرد. اگر این نیاز نیز مانند دیگر نیازها، ارضا نشود، انسان [همواره] احساس تنش و تعارض می‌کند (رئسی، ۱۳۹۴).

دیوارهای مشترک اغلب نازک و بدون عایق، سقف‌هایی که گاهی در زیر پای خانواده همسایه بالاست، راه‌پله‌ها، آسانسور و محوطه‌ای که اغلب، محل مواجهه روزانه اعضای ساکن در یک مجموعه آپارتمانی است، هرکدام به تنهایی می‌توانند عاملی برای ایجاد تنش و انواع آسیب‌های اخلاقی باشند.

برای رفع و یا کاستن از این آسیب‌ها، الزاماتی در دو بخش: «پیشگیرانه» و «درمانی» - ترمیمی» در شماره‌های آتی نشریه، عرضه خواهد شد. مواردی همچون: «مکان‌گزینی با رعایت الزامات مربوط»، «فضاسازی مناسب محیطی»، «طراحی و اجرای فضای بازی برای کودکان»، «رعایت الزامات مربوط به معلولان و سالمندان»، «ساخت بلوک‌های کم‌طبقه و کم‌واحد»، «منع ساخت واحدهای فاقد استاندارد سرانه فضای مسکونی»، «بازنگری در رویه‌های طراحی و معماری فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی»، «التزام عملی به قاعده زَرّین اخلاقی»، «اجرا و ترویج آموزه‌های اخلاقی اسلام در ارتباط با همسایگی و هم‌نشینی»، «ترجیح منافع جمعی بر فردی»، «سازگاری با واقعیت‌های آپارتمان‌نشینی» و غیره.



فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آرگایل، مایکل، روانشناسی شادی، ترجمه مسعود گوهری و همکاران، اصفهان: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۲. آملال، نرگس و همکاران، «رابطه سبک معماری سنتی ایران و معماری آپارتمانی با بیش‌فعالی در کودکان ۱۲ - ۷ سال و شادکامی والدین آنها در شهر یزد»، دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران، مؤسسه پژوهشی مدیریت مدبر، ۱۳۹۶.
۳. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هب‌الله، شرح نهج‌البلاغه، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن‌ابی‌الدنیا، مکارم‌الاخلاق، تحقیق: عبدالقادر احمد عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دارسیدالشهدا (ع) للنشر، ۱۴۰۵ق.
۶. ابن‌شعبه حرانی، حسین بن علی، تحف‌العقول، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی، مناقب آل‌ابی‌طالب (ع)، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹.
۸. باقری، پژمان و همکاران، «کیفیت زندگی ساکنان بالای ۱۵ سال آپارتمان‌نشین در مقایسه با ساکنان بالای ۱۵ سال غیر آپارتمان‌نشین شهر شیراز در سال ۹۱ - ۹۰»، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، شماره ۳، ۱۳۹۲.
۹. پایگاه اطلاع‌رسانی «حوزه»: <https://hawzah.net>.
۱۰. پسندیده، عباس، الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا، چاپ سوم، قم: دارالحديث، ۱۳۹۵.
۱۱. ———، پژوهشی در فرهنگ حیا، چاپ چهارم، قم: دارالحديث، ۱۳۸۴.
۱۲. پناهی، محمدحسین؛ زارعان، منصوره، «سلامت خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر



- آن»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۹، زمستان ۱۳۹۱.
۱۳. پوردیهیمی، شهرام و همکاران، «رویکردی انسانی به مسکن»، صفه، ش ۵۴، ۱۳۹۰.
۱۴. ترکاشون، بهاره و آرش، «نقش معماری مسکونی در افزایش آمار افسردگی به عنوان یکی از پیامدهای زندگی آپارتمانی»، کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین پژوهشی در علوم، مهندسی و فناوری با محوریت پژوهش‌های نیازمحور، مشهد: مؤسسه فراز اندیشان دانش بین‌الملل، ۱۳۹۴.
۱۵. تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق و تصحیح: سیدمهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۶. چلبی، مسعود، «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، ۱۳۷۲.
۱۷. حسینی‌زاده، سیدعلی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، چاپ دهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۱۸. خبرگزاری مشرق نیوز؛ <https://www.mashreghnews.ir>.
۱۹. خطیبی، اعظم، «تبیین جامعه‌شناختی تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر احساس نشاط اجتماعی شهروندان در شهر همدان»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی شهری، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۶.
۲۰. درویش مفرد کاشانی، زهرا و همکاران، «مروری بر تدابیر سلامت جنسی از دیدگاه طب سنتی ایران»، فصلنامه تاریخ پزشکی، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۵.
۲۱. دیلمی، حسن بن محمد، غرر الأخبار، تحقیق: اسماعیل ضیغم، قم: دلیل‌ما، ۱۴۲۷ ق.
۲۲. دیلمی‌همدانی، أبی‌الشجاع شیرویه بن شهردار، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق: سعید بن بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.
۲۳. رازقی، نادر و همکاران، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان روابط همسایگی؛ مطالعه موردی، شهروندان ساکن شهر بابل»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن الکریم، بیروت: دارالقلم، [بی‌تا].
۲۵. رئیسی، ایمان و الهه‌سادات حسینی، «بررسی رابطه خلوت و تعامل در چند مجتمع

- مسکونی قزوین»، هویت شهر، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۴.
۲۶. سالاری فر، محمدرضا و دیگران، روانشناسی اجتماعی با نگرش بر منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۲۷. شعیری، محمدبن محمد، جامع الأخبار، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ ق.
۲۸. شیخ صدوق، ابوجعفر محمدبن علی ابن بابویه، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۲۹. ———، عیون أخبار الرضا (ع)، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: منشورات جهان، ۱۳۷۸ ق.
۳۰. ———، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. صادقی، عطیه و احمدرضا اصغریپور ماسوله، «فاصله تعاملی و معضل همکاری در مجتمعهای مسکونی؛ یک مطالعه موردی در شهر مشهد»، مشهد: ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه های شهر اسلامی، شماره ۲۱ و ۲۲، آبان ماه ۱۳۹۳.
۳۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، تحقیق: فیض الاسلام، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. طاهری، ثریا و جعفر طاهری، «اثرات افزایش تراکم بر سلامت روان»، چهارمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره ۷ - ۹، دی ماه ۱۳۹۵.
۳۴. طباطبایی، مریم و مینا تمّایی، «نقش محیط های ساخته شده در سلامت روان»، نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
۳۵. طبرسی، احمدبن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق: محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تحقیق: سیداحمد حسینی، دوم، تهران: مکتبه النشر الثقافة الاسلامیة، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. علی بن موسی الرضا (ع)، طب الإمام الرضا (ع)، تحقیق: محمد مهدی نجف، قم: دارالخیام، ۱۴۰۲ ق.

۳۸. فردوسی، سجاد و همکاران، «پیامدهای محیطی ناشی از افزایش تراکم و بلندمرتبه‌سازی در شهرها»، دوفصلنامه حقوق و محیط‌زیست، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۳۹. فرهنگد، مهناز و همکاران، «دوگانگی فرهنگی و بی‌اعتمادی اجتماعی (مطالعه شهروندان شهر یزد و اهواز)»، مسائل اجتماعی ایران، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
۴۰. فقیهی، علی‌نقی، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روشها از منظر قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۴۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۴۲. کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۴۳. کوکرین، ریموند، مبانی اجتماعی بیماری‌های روانی، ترجمه بهمن نجاریان و فرید براتی‌سده، تهران: رشد، ۱۳۷۶.
۴۴. گروهی از نویسندگان، آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی، روابط همسایگی و آپارتمان‌نشینی، تهران: آگاه، ۱۳۹۳.
۴۵. متقی‌هندی، علی‌بن‌حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تصحیح: صفوة السقا، بیروت: مكتبة التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ق.
۴۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۷. محسنی‌تبریزی، علیرضا و همکاران، «مطالعه میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی و عوامل تأثیرگذار بر آن در کرج»، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۶۰، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۴۸. محمدپور، احمد و دیگران، «مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر همدان»، مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۱.
۴۹. محمدی‌ری‌شهری، محمد و همکاران، میزان‌الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، شماره یازدهم، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹.
۵۰. _____، حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۵۱. _____، دوستی در قرآن و حدیث، ترجمه سیدحسن اسلامی، چاپ پنجم، قم:

- دارالحديث، ۱۳۸۷.
۵۲. ملکوتی‌نیا، علی، «اخلاق خویشاوندی در آموزه‌های اسلامی»، مبلغان، شماره ۱۹۶، آبان و آذر ۱۳۹۴.
۵۳. ———، درآمدی بر اخلاق همسایگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، قم: دارالحديث، ۱۳۹۶.
۵۴. نادری، حمدالله و همکاران، «الگوسازی ساختاری رابطه بین بیگانگی و بیتفاوتی اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۵۵. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ ق.
۵۶. هفرن، کیت و بوندل، ایلونا، روانشناسی مثبت‌نگر، ترجمه محمدتقی تیبیک و محسن زندی، قم: دارالحديث، ۱۳۹۴.
۵۷. هیثمی، ابوالحسن نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، تحقیق: حسام‌الدین القدسی، شماره دهم، قاهره: مکتبه القدسی، ۱۴۱۴ ق.